

جنگ رمضان و ایراد خسارت جانبی به اموال فرهنگی ایران از منظر حقوق بین الملل

مهناز رشیدی

استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

mahnazrashidi88@gmail.com

چکیده

آسیب جانبی به اموال فرهنگی، حین حمله به اهداف نظامی مجاور، همچنان یکی از چالش‌های حمایتی از این اموال در حقوق بین الملل بشردوستانه است. این موضوع در جریان جنگ رمضان میان آمریکا- اسرائیل و ایران که در طی آن، برخی از اموال فرهنگی ایران، از جمله کاخ گلستان و میدان نقش جهان، به دلیل اثرات تبعی ناشی از انفجارهای سهمگین دچار آسیب و خسارت شدند، مشهود است. این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی و با تکیه بر مطالعه موردی جنگ رمضان، به این سؤال پاسخ می‌دهد که حقوق بین الملل چگونه به حمایت از اموال فرهنگی در برابر خسارات جانبی در مخاصمات مسلحانه می‌پردازد؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که حقوق بین الملل بشردوستانه در تلاقی اصول تفکیک، ضرورت، تناسب و احتیاط تعهد به منع آسیب جانبی مفرط به اموال فرهنگی نسبت به مزیت قطعی و مستقیم قابل پیش بینی را مقرر داشته است که در پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴ و پروتکل دوم آن و قواعد عرفی بین المللی انعکاس یافته است. همچنین نقض این تعهد، از منظر حقوق مسئولیت بین المللی و حقوق بین الملل کیفری مستلزم پاسخگویی حقوقی است. وقایع جنگ رمضان، گویای ایراد آسیب جانبی مفرط به اموال فرهنگی ایران از طریق عدم رعایت اصول تناسب و احتیاط است. چنین آسیب‌هایی ضمن آنکه می‌تواند مصداقی از جرم جنگی تلقی شود، از باب مسئولیت بین المللی، امکان مطالبه غرامت از دولت‌های متخلف و نیز دریافت کمک‌های بین المللی از نهادهای متولی برای بازسازی آنها را فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: اموال فرهنگی، خسارات جانبی، جنگ رمضان، حقوق بین الملل، مسئولیت بین المللی.

The Ramadan War and Incidental Damage to Iranian Cultural Property from the Perspective of International Law

Abstract

Incidental damage to cultural property remains one of the challenges of protecting such property under international humanitarian law (IHL). This issue was evident during the Ramadan War between the United States-Israel and Iran, in which several Iranian cultural properties, including Golestan Palace and Naqsh-e Jahan Square, suffered damage due to the secondary effects of powerful explosions. Employing a descriptive-analytical methodology and drawing on the Ramadan War as a case study, this research addressed this question: How does international law protect cultural property against incidental damage in armed conflicts? The findings indicate that IHL, at the intersection of the principles of distinction, necessity, proportionality, and precaution, establishes an obligation to prohibit excessive incidental damage to cultural property in relation to the anticipated concrete and direct military advantage. This is reflected in Additional Protocol I to the 1949 Geneva Conventions, the 1954 Hague Convention and its Second Protocol, and customary international law. Furthermore, violation of this obligation entails legal accountability from the perspective of the law of international responsibility and international criminal law. The facts of the Ramadan War demonstrate the infliction of excessive incidental damage on Iranian cultural property through the failure to observe the principles of proportionality and precaution. Such damage, while potentially constituting a war crime, also provides, under international responsibility, the possibility of claiming compensation from the offending states and receiving international assistance for reconstruction from relevant institutions.

Keywords: Cultural property, Incidental damage, International law, International Responsibility, Ramadan war.

مقدمه

قربانیان مخاصمات مسلحانه تنها انسان‌ها نیستند؛ بلکه اموال فرهنگی نیز قربانیا خاموشی هستند که هرچند صدای درد و رنج آنها به گوش نمی‌رسد، ولی هدف قرار دادن آنها، به مثابه نشانه گرفتن قلب یک تمدن است.

آسیب به اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه، غالباً در اثر صدمات جانبی ایجاد می‌شود اما مواردی از صدمه عمدی به این اموال، به عنوان عاملی برای اعمال فشار بر طرف مقابل و یا حذف نمادهای فرهنگی - تاریخی آنها، تحت عنوان اصطلاحی «پاکسازی فرهنگی»^۱ نیز واقع شده است. همچنین غارت اموال فرهنگی و فروش آنها، حتی در برخی موارد به عنوان منبعی برای کسب درآمد طرف‌های مخاصمات، بارها عینیت یافته است (Higgins, 2020: 1).

علی‌رغم آنکه تحولات حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به ویژه تدوین کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه و پروتکل‌های آن، بستری برای حمایت خاص از این اموال در حین مخاصمات فراهم کرده است، اما این قاعده‌گذاری بین‌المللی موجبی برای پایان روند دردناک تخریب و صدمه به اموال فرهنگی در حین جنگ‌ها نبوده است. مصادیق فاحش آسیب به اموال فرهنگی در طول تاریخ جنگ‌ها مانند حملات عمدی به پل قدیمی شهر موستار در خلال جنگ بوسنی، تخریب بوداهای بامیان افغانستان در جریان جنگ داخلی این کشور در سال ۲۰۰۱، هتک حرمت اماکن مذهبی و بناهای تاریخی «تیمبوتکو» مالی، تخریب، هدف قرار دادن عامدانه و غارت آثار تاریخی شهر موصل در عراق و پالمیرا در سوریه توسط داعش مؤیدی بر این ادعاست (وکیل و قشلاقی نیگجه: ۱۲۰).

اموال فرهنگی ایران نیز در طول تجاوز نظامی اخیر آمریکا-اسرائیل به ایران، موسوم به جنگ رمضان، از گزند آسیب دور نماند. در طول این جنگ، که از ۹ اسفند ۱۴۰۴ آغاز و تا تاریخ ۱۹ فروردین ماه ۱۴۰۵ به مدت ۴۰ روز به شکل مخاصمه فعال ادامه یافت، برخی اموال فرهنگی ایران از جمله کاخ گلستان تهران، میدان نقش جهان اصفهان، قلعه فلک الافلاک لرستان و... صدمه دیدند. عمده این صدمات از نوع ایراد خسارات جانبی ناشی از حمله به دیگر اهداف بودند. برای مثال، اغلب این صدمات در اثر شدت موج انفجار و یا سرایت آتش‌سوزی اماکن مجاور به آنها صورت گرفته است. با وجود آنکه ر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، ایراد آسیب عمدی به اموال فرهنگی، جز در فرض ضرورت نظامی منع شده است، اما ابعاد تعهد دولت‌ها به ممنوعیت ایراد خسارت جانبی به اموال فرهنگی چندان مشخص نیست.

از این رو، این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر مطالعه موردی جنگ رمضان، به این سؤال پاسخ می‌دهد که حقوق بین‌الملل چگونه به حمایت از اموال فرهنگی در برابر خسارات جانبی در مخاصمات مسلحانه می‌پردازد؟

فرضیه پژوهش آن است که تعهد دولت‌ها به عدم ایراد خسارت جانبی مفرط به اموال فرهنگی از همان قواعد عام ناظر بر رعایت اصول تفکیک، ضرورت، تناسب و احتیاط در حقوق بین‌الملل بشردوستانه منتج می‌شود؛ اگرچه این قواعد در حمایت از ارزش خاص اموال فرهنگی کافی نیستند ولی همین تعهدات موجود نیز در جنگ رمضان از سوی آمریکا و اسرائیل در حین حمله به ایران به طور کامل رعایت نشدند.

در باب پیشینه پژوهش، اگرچه آثار متعددی در منابع فارسی (ن. ک. به: نژندی منش و افروغ، ۱۳۹۰؛ دقیق و لسانی، ۱۳۹۸؛ زحمتکش و آرش پور، ۱۳۹۶) و انگلیسی (See: Kastenberg, 1997; O'keefe, 2006; Auwera, 2013; Qureshi, 2017) به موضوع حمایت از اموال فرهنگی در طول مخاصمات مسلحانه اختصاص یافته است، اما این منابع، اغلب به بیان سیر تحول حقوق بین‌الملل بشردوستانه در حمایت از اموال فرهنگی، تبیین قواعد معاهداتی و عرفی موجود، تعهدات حمایتی دولت‌ها در این زمینه و تحلیل رویه قضایی بین‌المللی پرداخته‌اند و بررسی ابعاد حقوقی ایراد خسارت جانبی به اموال فرهنگی تاکنون مورد توجه دقیق و

^۱ Cultural cleansing.

تفصیلی واقع نشده است. افزون بر این، تمرکز اصلی این پژوهش بر ارزیابی حقوقی ایراد آسیب جانبی به اموال فرهنگی ایران در طول جنگ رمضان است و از این جهت، نسبت به پژوهش‌های قبلی دارای نوآوری است.

به منظور ارزیابی فرضیه مطروحه، این پژوهش در میحث نخست با تکیه بر وقایع جنگ رمضان، به تعهد اولیه دولت‌ها به عدم ایراد خسارت جانبی به اموال فرهنگی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌پردازد و در مبحث دوم، ابعاد حقوقی مسئولیت ناشی از نقض این تعهد را ارزیابی می‌کند.

۱. ایراد خسارت جانبی به اموال فرهنگی ایران در جنگ رمضان از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه

اموال فرهنگی، بخشی حیاتی از هویت فرهنگی افراد، جوامع و کل بشریت است. از این رو، حمایت از آنها، علاوه بر آنکه بر مبنای نظریات ملی‌گرایی فرهنگی، نمادی از حاکمیت و هویت یک ملت است، در عصر کنونی و با گسترش رویکرد بین‌المللی شدن میراث فرهنگی مبنی بر درهم تنیدگی تاریخ و فرهنگ کل بشریت، لطمه به آنها به مثابه هدف قرار دادن ارزش‌های کل جامعه بین‌المللی است. به نحوی که حتی از آنها تعبیر به «اموال بشریت»^۲ می‌شود (Campfens, 2020: 263). بر این اساس، امروزه، ورای حق شهروندان هر جامعه نسبت به اموال فرهنگی جامعه خود، تلقی حقوق بین‌الملل معاصر، فراملی و فراجغرافیایی بودن اموال فرهنگی است که کل جامعه بین‌المللی در آن ذی‌حق می‌باشند (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸/۲: ۴۶۰). این نگاه در مقدمه کنوانسیون ۱۹۵۴ نیز متجلی شده است: «با اعتقاد به اینکه آسیب به اموال فرهنگی - متعلق به هر ملت - به معنای آسیب به میراث فرهنگی همه بشریت است، زیرا هر ملت - سهم خود را در فرهنگ جهان ایفا می‌کنند؛ با توجه به اینکه حفظ میراث فرهنگی برای تمامی ملت‌های جهان از اهمیت بالایی برخوردار است و این میراث باید از حمایت بین‌المللی برخوردار شود...» (Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict, 1954: Preamble).

به این ترتیب، نگاه بین‌المللی به اموال فرهنگی که حفاظت از آن را برآمده از نفعی جمعی می‌داند ایجاب می‌دارد که دولت‌ها، در هر زمان، صلح و جنگ، نه تنها از ایراد آسیب به اموال فرهنگی امتناع ورزند بلکه مکلف به حمایت شایسته و بایسته از این اموال در برابر ایرادات اشخاص ثالث نیز باشند.

علی‌رغم درک اهمیت حفاظت خاص از اموال فرهنگی و تدوین کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه و پروتکل‌های آن، همچنان طرف‌های مخاصمه با ادعاهایی مانند ضرورت نظامی و یا غیرقابل اجتناب بودن ایراد خسارات جانبی به اموال فرهنگی در صدد توجیه حقوقی اقدامات مخرب خود نسبت به این اموال هستند.

اختلاف نظرات رویکردی نسبت به قواعد حمایتی حقوق بشردوستانه، می‌تواند بر تحلیل حقوقی اینگونه ادعاها اثرگذار باشد. به این معنا که طرفداران رویکرد کارکردی بر این نظرند که تا جایی قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه از اموال فرهنگی حمایت می‌کند که کارکرد آنها غیرنظامی باشد و یا برای دستیابی به اهداف نظامی ضرورت نداشته باشد. اما تفکر مقابل، این است که اموال فرهنگی، به دلیل ارزش ذاتی خود شایسته حمایت هستند و حتی اگر ضرورت نظامی ایجاب نماید، این اموال باید مصون از آسیب باشند (کرمی و شاکری، ۱۳۹۹: ۸۶-۸۷). بر این اساس، در باب ایراد خسارات جانبی به اموال فرهنگی نیز این چالش محل بحث است که آیا ضرورت نظامی می‌تواند اینگونه آسیب‌ها را توجیه نماید یا اینکه ارزش خاص اموال فرهنگی، حتی ایراد خسارات جانبی به آنها را نیز ممنوع می‌دارد و یا تعهد به رعایت نهایت حد احتیاط را بر عهده طرف‌های مخاصمه قرار می‌دهد؟

از همان روزهای آغازین تجاوز نظامی آمریکایی - اسرائیلی به ایران، اموال فرهنگی ایران نیز از گزند این جنگ در امان نماند. بخش عمده‌ای از این خسارات، به صورت جانبی به اموال فرهنگی ایران وارد شده است. در این بخش از پژوهش، نخست، ضمن شناسایی

² The property of mankind.

مفهوم خسارات جانبی به ایراد اینگونه خسارات بر اموال فرهنگی ایران در طول جنگ رمضان پرداخته خواهد شد و سپس این اقدامات در سنجح حقوق بین الملل مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۱-۱. مروری بر خسارات جانبی وارده به اموال فرهنگی ایران در جنگ رمضان

اصل کاهش تلفات جنگ بر غیرنظامیان، سنگ بنای حقوق بین الملل بشردوستانه است. با وجود این، واقعیت آنچه در میدان جنگ رخ می‌دهد، موجب طرح مفهومی به نام «خسارت جانبی»^۳ شده است. هیچ یک از اسناد ژنو و لاهه تعریفی از خسارت جانبی ارائه نداده اند و تنها پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو، به این مفهوم اشاره می‌کند (Protocol I), 1977: Arts. 51(5)(b), (iii), (ii)(a)(2)57؛ این مفهوم، در دکتترین، به معنی آسیب و تخریب غیرعامدانه و تبعی به اشخاص و اموال غیرنظامی در حین حمله مستقیم به اهداف نظامی در طول جنگ تعریف شده است (Berchev, 2025: 299-300; Sari, 2025: 236).

آنچه که در درک مفهوم خسارت جانبی حائز اهمیت است اینکه، آسیب وارده پیامدی غیرعمدی یا اتفاقی از کنش نظامی باشد. حتی اگر واضح باشد یک عمل نظامی چنین تلفات یا تخریبی را ایجاد می‌کند، در صورتی می‌توان آن تلفات حاصله را در زمره خسارت جانبی طبقه‌بندی کرد که فرض شود آسیب نهایی علی‌رغم وجود خطر، غیرعامدانه بوده است (Coward, 2004:159). به عبارت دیگر، این خسارات و تلفات در شرایطی رخ می‌دهند که هدف یا اهدافی مشخص مورد حمله نظامی قرار می‌گیرند اما پیامدهای آن به طور ناخواسته به افراد یا اموال غیرنظامی در مجاورت آن آسیب می‌زند. آسیب‌های ناشی از گلوله باران و تیراندازی، خسارات ناشی از موج انفجار، جابه جایی تسلیحات نظامی و وسایل نقلیه سنگین، ساخت تأسیسات نظامی در مجاورت اماکن فرهنگی از جمله اقداماتی است که می‌تواند منجر به ایراد خسارات جانبی به اموال فرهنگی گردد و نمونه‌های آن در جنگ‌های اخیر به ویژه در سوریه و عراق، در جریان اقدامات نظامی آمریکا و همچنین داعش بسیار است (Frigerio, 2014: 2).

در طول جنگ رمضان میان آمریکا و اسرائیل از یک سو و ایران از سوی دیگر نیز آسیب‌هایی به اموال فرهنگی ایران وارد گردید. براساس آخرین برآورد وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، در طی این جنگ، به ۱۴۹ اثر تاریخی و فرهنگی در ۲۰ استان کشور خساراتی وارد شد. در این میان، استان‌های تهران، اصفهان و کردستان، به ترتیب با ۷۰، ۲۷ و ۱۳ اثر، بیشترین تعداد آثار تاریخی آسیب دیده را داشته‌اند. مطابق اعلام این وزارتخانه، ۷۴ مورد در اثر موج انفجار، ۴۲ اثر در نتیجه اصابت به حریم و ۳۳ اثر به دلیل اصابت عرصه، آسیب دیده‌اند (تابناک، ۱۴۰۵).

ساختمان مجلس خبرگان (سینا) ثبت شده در فهرست میراث ملی ایران، کاخ گلستان ثبت شده در فهرست آثار ملی ایران و ثبت شده در فهرست میراث جهانی یونسکو، مجموعه سعدآباد ثبت شده در فهرست آثار ملی ایران، میدان نقش جهان ثبت شده در فهرست میراث ملی ایران و ثبت شده در فهرست میراث جهانی یونسکو، بخشی از مجموعه باغ‌های ایرانی (کاخ چهل ستون) ثبت شده در فهرست آثار ملی ایران و ثبت شده در فهرست میراث جهانی یونسکو ۱۳۷۲ و همچنین محوطه پیشاتاریخی دره خرم‌آباد ثبت شده در فهرست میراث ملی ایران و میراث جهانی یونسکو از جمله مهم‌ترین آثار تاریخی آسیب‌دیده در جریان جنگ چهل روزه بوده‌اند (دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۴).

بخش مهمی از خسارات وارده به اموال فرهنگی در اثر موج انفجار، موج صوتی و اصابت پرتابه‌ها به مکانی نزدیک به محل قرارگیری این اموال حادث شده است که می‌توان آنها را خسارتی جانبی در نظر آورد. برای مثال، آسیب وارده به کاخ گلستان تهران در ۱۰ اسفند ۱۴۰۴، صدمه به میدان نقش جهان اصفهان و آثار تاریخی وابسته در ۱۶ و ۱۸ اسفند ماه و نیز خسارات وارده به کاخ چهل ستون اصفهان در ۱۸ اسفند ماه بر اثر موج انفجار، آتش‌سوزی جانبی، موج صوتی و همچنین اصابت ترکش صورت گرفت.

³ Incidental/Collateral Damage.

این، در حالی است که محل اصابت اصلی پرتابه‌های جنگی در نزدیکی محل قرارگیری این اماکن و حتی در مواردی، در محوطه اصلی یا حریم آنها بوده است (وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، بی. تا: ۲۳-۸۲).

۱-۲. خسارت جانبی به اموال فرهنگی ایران در جنگ رمضان و نقض اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه

ایراد خسارات جانبی به اموال فرهنگی، در قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به طور مستقیم مورد حکم واقع نشده است اما، با استفاده از تحلیل عمیق از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه یعنی اصل تفکیک، ضرورت، تناسب و احتیاط می‌توان رویکرد حمایتی از اموال فرهنگی در برابر ایراد خسارات جانبی را دریافت.

۱-۲-۱. نقش ضرورت نظامی در حدود توجیه ایراد خسارات جانبی به اموال فرهنگی

مطابق یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه، یعنی اصل تفکیک، طرف‌های مخاصمات مسلحانه باید میان اشخاص و اموال غیرنظامی با رزمندگان و اهداف نظامی تفکیک قائل شوند (Protocol I, 1977: Art. 48). اموال غیرنظامی نباید هدف حمله یا اقدام تلافی جویانه قرار گیرند و حملات باید محدود به اهداف نظامی باشد (Protocol I, 1977: Art. 52(1)). «اهداف نظامی، به آن دسته از اموال محدود می‌شوند که به موجب ماهیت، موقعیت، هدف یا نحوه استفاده، سهم مؤثری در عملیات نظامی ایفا می‌کنند و انهدام، تصرف و یا بی‌اثر ساختن کامل یا جزئی آنها، در اوضاع و احوال حاکم بر زمان مربوط، مزیت نظامی مشخصی را فراهم می‌آورد» (Protocol I, 1977: Art. 52(2)). از مفهوم مخالف این تعریف، درک مفهوم اموال غیرنظامی میسر می‌شود. بر این اساس، اموال غیرنظامی اموالی هستند که به مقاصد غیرنظامی اختصاص دارند. در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، در صورت تردید بر نظامی یا غیرنظامی بودن اموال، فرض بر غیرنظامی بودن آنهاست (Protocol I, 1977: Art. 52(3)). به طور سنتی از زمان قواعد لاهه، در مواد ۲۷ و ۵۶، و همچنین در ماده ۵۳ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو، اموال فرهنگی در زمره اموال غیرنظامی محسوب می‌شوند و ارتکاب هر گونه اقدام خصمانه علیه آنها، استفاده از این اموال در حمایت از عملیات نظامی و قراردادن آنها در معرض اقدام تلافی جویانه ممنوع است.

با وجود این، در حقوق بین‌الملل بشردوستانه اصلی تحت عنوان ضرورت نظامی که برای ایجاد توازن و تناسب میان دو اصل انسانیت از یک سو و اهمیت دستیابی به اهداف نظامی بنا شده است، در مواردی، استثنائی بر اصل تفکیک ایجاد می‌کند. این موضوع در رژیم حقوقی حمایت از اموال فرهنگی در جنگ که به طور خاص در کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴ و پروتکل‌های آن بیان شده نیز مدنظر قرار گرفته است.

ماده ۴ کنوانسیون ۱۹۵۴، حمایت کاملی از اموال فرهنگی ارائه می‌دهد و دولت‌های طرف این سند را مکلف به احترام به اموال فرهنگی در سرزمین خود و دولت‌های متعاقد می‌کند. بدین گونه که آنها را متعهد ساخته است که از به کارگیری این اموال و محیط بلافصل آنها و تجهیزاتی که برای حفاظت از آنها به کار می‌رود، برای مقاصدی که احتمال می‌رود در زمان درگیری مسلحانه موجب نابودی یا آسیب آنها شود، خودداری کرده و از هر گونه اقدام خصمانه علیه چنین اموالی اجتناب نمایند. اما بند ۲ ماده ۴، زمانی که ضرورت نظامی «به طور ناگزیر»^۴، ایجاب نماید، تعهدات بند ۱ را قابل چشم‌پوشی دانسته است (Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict, 1954: Art. 4(2)). در این سند، «ضرورت نظامی ناگزیر»^۵، استثنائی بر هر دو تعهد خودداری از هدف قراردادن اموال فرهنگی و اجتناب در استفاده از اموال فرهنگی به نحوی است که آنها را در معرض آسیب و استناد به ضرورت نظامی قرار دهد (Gerstenblit, 2016: 367).

⁴ Imperatively.

⁵ Imperative military necessity.

اما وصف «ناگزیر» در کنوانسیون تعریف نشده است و از همین رو، قابلیت تفسیر موسع آن محل انتقاد است. به همین دلیل، در روند توسعه‌ای بعدی، پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون لاهه در سال ۱۹۹۹، تلاش کرد، ضرورت نظامی ناگزیر را تعریف کرده و قلمروی آن را محدودتر نماید. از این رو، ماده ۶ این سند، در بند الف، عدول از احترام به اموال فرهنگی مبتنی بر ضرورت نظامی ناگزیر مندرج در بند ۲ ماده ۴ را تنها زمانی توجیه کننده ارتکاب عمل خصمانه علیه اموال فرهنگی دانسته که: (۱) آن مال فرهنگی به سبب کارکرد خود به یک هدف نظامی تبدیل شده باشد و (۲) همچنین هیچ جایگزین عملی ممکن دیگری برای دستیابی به مزیت نظامی مشابه وجود نداشته باشد که به جای ارتکاب عمل خصمانه علیه آن هدف قابل استفاده باشد. همچنین این ماده در بند (ب) استناد به ضرورت نظامی ناگزیر برای استفاده از اموال فرهنگی در مقاصدی که احتمال تخریب یا آسیب به آنها را به دنبال دارد، زمانی موجه دانسته است که میان چنین استفاده‌ای از اموال فرهنگی و روش عملی ممکن دیگر برای دستیابی به مزیت نظامی مشابه، حق انتخابی وجود نداشته باشد.

به این ترتیب، وصف «ناگزیر» در این ماده، به منظور نشان دادن آستانه بالای ضرورت نظامی در مورد اموال فرهنگی است و ایراد آسیب به این اموال، تنها زمانی مجاز خواهد بود که آنها به هدفی نظامی تبدیل شوند و هیچ راهکار جایگزینی برای دستیابی به مزیت نظامی مشابه وجود نداشته باشد.

البته همچنان حدود قابلیت اعمال ماده ۶ پروتکل دوم مشخص نیست. از حیث فنی، قدر متیقن آن است که قواعد ماده ۶ تنها بر دولت‌های عضو پروتکل دوم اعمال می‌شوند. در خصوص طرف‌های جنگ رمضان، تنها ایران به عضویت این سند درآمده است و آمریکا و اسرائیل این سند را مورد پذیرش قرار نداده‌اند. اما نظراتی مبنی بر این ارائه شده است که ماده ۶ پروتکل دوم صرفاً مکمل توضیحی بند ۲ ماده ۴ کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴ است و در عمل، مفاد پروتکل دوم بر تفسیر «ضرورت نظامی ناگزیر» در کنوانسیون لاهه و دولت‌های عضو آن نیز اثرگذار خواهد بود (Toman, 2009: 97). هر چند، این دیدگاه، صرفاً دکترینی است و در رویه قضایی بین‌المللی مورد تأیید قرار نگرفته است. به علاوه این موضوع همچنان محل مناقشه است که آیا ماده ۶ را می‌توان امروزه وارد قلمروی قواعد عرفی بین‌المللی دانست یا خیر؟ این موضوعی است که باید قضاوت پیرامون آن را بر اساس تحولات قضایی بین‌المللی در آینده سنجید.

بنابراین اگر به اموال فرهنگی، به صورت عامدانه خسارت و آسیبی وارد شود، خواه آن آسیب به صورت حمله مستقیم بوده و یا به طور غیرمستقیم و تبعی چنین اثری به بار آید، صرفاً در فرض اثبات ضرورت نظامی ناگزیر قانونی پنداشته خواهد شد. ولی ایراد خسارت جانبی به اموال فرهنگی، که مهمترین مشخصه آن، غیرعامدانه بودن است، زمانی به وجود می‌آید که در اثر حمله به یک هدف نظامی، چنین آسیبی به اموال فرهنگی به طور ناخواسته، وارد شود که در چنین فرضی، با اصل تناسب و احتیاط پیوند می‌خورد.

۱-۲-۲. خسارات جانبی به اموال فرهنگی در پرتوی اصول تناسب و احتیاط

قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه به عنوان نتیجه فرعی برآمده از اصل تفکیک، طرف‌های مخاصمه را ملزم به اجرای اصل تناسب نموده است. این اصل، به عنوان یک اصل عرفی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه (Henckaerts & Doswald-Beck, 2005: Rule. 14)، به این معنی است که حتی در صورت وجود یک هدف واضح نظامی، این هدف تنها در صورتی می‌تواند مورد حمله قرار گیرد که خطر آسیب دیدن غیرنظامیان یا اموال غیرنظامی به نسبت مزیت نظامی مورد انتظار بیش از اندازه نباشد. هدف این اصل آن است که طرف‌های مخاصمه را در انتخاب سلاح‌ها و به کارگیری روش‌های جنگ محدود نماید تا کمترین آسیب متوجه اشخاص و اموال غیرنظامی شود (عظیمی شوشتری و حسینی فاضل، ۱۳۹۶: ۹۴).

کاربرد اصل تناسب در جایی است که انتظار می‌رود حمله به اهداف نظامی، منجر به آسیب جانبی به اشخاص و اموال غیرنظامی شود. ماده ۵۱(۵)(ب) پروتکل اول الحاقی در این رابطه، حملاتی را که ممکن است منجر به خسارات جانبی به جان غیرنظامیان و ایراد جراحت بر آنان، صدمه به اموال غیرنظامی و ترکیبی از آنها شود و نسبت به مزیت نظامی قطعی و مستقیم بیش از حد باشد، به عنوان یکی از مصادیق حملات غیرمتمایز در نظر آورده و آنها را ممنوع کرده است (Protocol (I), 1977: Art. 51(5)(b)). این ممنوعیت در ماده ۵۷ (۲) (الف)(۳) پروتکل اول نیز در مقام بیان اصل احتیاط تأکید شده است.

این ماده، در شرایطی آسیب جانبی به اموال غیرنظامی، مانند اموال فرهنگی را منع کرده است. لذا، به منظور شناخت این شرایط، لازم است معیارهای مندرج در ماده ۵۱(۵)(ب) تفسیر شود.

در وهله اول، باید توجه داشت که در این ماده، ممنوعیت آسیب جانبی مفرط، نسبت به حملات اعمال می‌شود. «حمله»^۶ به معنی اقدام خشونت‌بار تهاجمی یا تدافعی علیه طرف مقابل است (Protocol (I), 1977: Art. 49(1)). بنابراین برخی اقدامات مانند جاسوسی که مشمول وصف خشونت‌بار نیستند را شامل نمی‌شود. به بیان دیگر، این اصطلاح به استفاده از نیروی مسلح برای انجام یک عملیات نظامی در آغاز و یا ادامه جریان یک مخاصمه مسلحانه دلالت دارد (ICRC, 1987: Art. 49, para. 1882).

معیار دیگر مندرج در این ماده آن است که ممنوعیت تنها زمانی اعمال می‌شود که انتظار معقولی مبنی بر ایراد «آسیب جانبی»^۷ وجود دارد. آسیب جانبی در این ماده، تنها محدود به آسیب به حیات غیرنظامیان، ایراد جراحت بر آنان و صدمه به اشیای غیرنظامی و یا ترکیبی از آنها شده است. به این ترتیب، مواردی مانند ناراحتی، استرس، ترس یا سایر حالات غیرملموس ناشی از حملات نمی‌تواند به عنوان آسیب جانبی در نظر گرفته شود. البته این موضوع محل مناقشه است که آثار غیرمستقیم یک حمله، تا کجا و تا چه حد باید به عنوان اثرات جانبی در نظر گرفته شود (Heinegg, 2015: para. 11). ولی در این مسأله تردیدی نیست آثاری که نتایج فوری و اولیه آن حمله نیستند و در اثر رویدادهای وابسته ایجاد می‌شوند و خیلی دور و بعید هستند، نباید در معیار تناسب مورد نظر قرار گیرند. همچنین وصف «مورد انتظار»^۸ در آسیب جانبی، نشان از آن دارد که باید احتمال آسیب جانبی در فرض وقوع حمله وجود داشته باشد. مقام تشخیص دهنده این احتمال، فرمانده نظامی است که باید در پرتوی اطلاعاتی که به طور معقول در دسترس او قرار می‌گیرد، در این زمینه قضاوت نماید. شعبه دادرسی دیوان بین‌المللی یوگسلاوی سابق، در قضیه گالیچ، بیان کرد که «در تعیین اینکه حمله متناسب بوده یا خیر ضروری است که ارزیابی شود آیا یک انسان معقول آگاه در شرایط مرتکب واقعی، با استفاده معقولانه از اطلاعات در دسترسش، می‌توانسته تلفات مفرط غیرنظامیان ناشی از آن حمله را انتظار داشته باشد» (ICTY, 2003: para. 58).

همچنین تشخیص فرمانده در خصوص انتظار وقوع چنین خسارات جانبی، مربوط به زمان آغاز حمله است و اگر بعد از آن خسارات جانبی غیرقابل پیش‌بینی واقع شود، این حمله، نقض ممنوعیت مندرج در ماده ۵۱ نخواهد بود. نکته بسیار مهم دیگر برای تشخیص تناسب در این ماده، «مفرط بودن یا بیش از حد بودن»^۹ آسیب جانبی نسبت به مزیت نظامی مورد انتظار است. در حقوق بین‌الملل بشردوستانه هیچ تعریف و معیار دقیقی برای تعیین «مفرط بودن» ارائه نشده است و فرماندهان در این زمینه از اختیار تشخیص برخوردارند (Trumbull IV, 2024: 527). هر چند نوعی توافق عمومی وجود دارد که مفرط بودن لزوماً به معنی گسترده بودن نیست. در این معیار، هم باید عوامل کمی و هم کیفی را در مقایسه با مزیت نظامی پیش‌بینی شده در نظر آورد. به این معنی که آسیب جانبی مفرط می‌تواند قانونی فرض شود اگر که مزیت نظامی قطعی و مستقیم، کاملاً صریح و قابل درک باشد و در

⁶ Attack.

⁷ Incidental loss.

⁸ Expected.

⁹ Excessive.

مقابل، آسیب جانبی اندک، می‌تواند مفروضه شود اگر مزیت نظامی مورد انتظار ناچیز و قابل اغماض باشد. به این ترتیب، مفروضه بودن، معیاری نسبی است که باید در هر قضیه و به طور موردی سنجیده شود (Heinegg, 2015: para.14).

نکته دیگر در این بند از ماده ۵۱، توجه به مزیتی نظامی مستقیم و قطعی قابل پیش بینی است. عبارت «مستقیم و قطعی»، به این معنی است که مزیت مربوطه باید معین و به نسبت نزدیک باشد (ICRC, 1987: Art. 57, para. 2209) و ذکر آن دو، به معنی کنار گذاشتن مزیت‌های نظامی است که به سختی قابل تشخیص هستند و دور از دسترس به نظر می‌رسند. به علاوه، حمله‌ای می‌تواند «مزیت نظامی» تلقی شود که منجر به تضعیف نیروهای دشمن، اعم از پرسنل و تجهیزات نظامی دشمن باشد یا اینکه دشمن را از استفاده از یک منطقه محروم سازد. دلیل ذکر مزیت نظامی قطعی و مستقیم، بالا بردن آستانه تشخیص مزیت نظامی نسبت به معیارهای شناخت اهداف نظامی مندرج در ماده ۵۲ پروتکل اول است (ICRC, 1987: Art. 57, para. 2218).

با همه این اوصاف، در صورتی که این نتیجه حاصل شود که خسارت جانبی مفروضه در اثر یک حمله نظامی مورد انتظار خواهد بود، برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان حمله، باید آن را به حکم مندرج در ماده ۵۷ پروتکل اول، لغو و یا تعلیق نمایند. بر این اساس، تعهد به لغو و یا تعلیق هر حمله زمانی انجام می‌شود که روشن باشد، آن حمله می‌تواند آسیب جانبی مفروضه به بار آورد و در اینجاست که اصول تفکیک، تناسب و احتیاط در مشروعیت یا عدم مشروعیت حقوق بین‌الملل بشردوستانه، صرف ایراد خسارات جانبی به غیرنظامیان را منع نکرده است و در حالتی که این خسارات به نسبت مزیت نظامی قطعی و مستقیم، کمتر باشند، مشمول ممنوعیت نخواهند بود ولی آستانه بالای مزیت نظامی قطعی و مستقیم، تا حدی توانسته تعادل را در این زمینه حفظ نماید.

روشن است که هدف اصلی و اولیه اصول تفکیک، تناسب و به تبع آن، اصل احتیاط این است که طرف‌های جنگ هرگز حضور و وضعیت غیرنظامیان را نادیده نگیرند و همه اقدامات لازم برای کاهش آثار مخاصمه بر آنها را اتخاذ نمایند. با وجود آنکه هر دو طرف مخاصمه، مکلف به رعایت این اصول هستند. اما بند ۲ ماده ۵۷، به طور مستقیم، «برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان حمله» را مکلف به رعایت احتیاط در انتخاب روش‌های حمله، با هدف پیشگیری و در هر واقعه، کاهش آسیب جانبی به غیرنظامیان کرده است. بنابراین با توجه به تعهد مستقیمی که بر عهده آنها قرار گرفته، در صورت ایجاد خسارات جانبی مفروضه در اثر یک حمله، اثبات اقدامات احتیاطی، بر عهده مرتکب عمل یا همان طرف حمله‌کننده است (ن. ک. به: عظیمی شوشتری و حسینی فاضل، ۱۳۹۶: ۱۱۳-۱۱۴).

قواعدی مشابه ماده ۵۷ پروتکل اول، در ماده ۷ پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون لاهه در حمایت از اموال فرهنگی در طول جنگ نیز مقرر شده است (Second Protocol to the Hague Convention of 1954, 1999: Art. 7). بندهای ب، پ و ت این ماده چنین مقرر داشته است:

«بدون تأثیر بر سایر اقدامات احتیاطی مقرر به موجب حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، در هدایت عملیات نظامی، هر طرف مخاصمه باید: ...

ب- به منظور اجتناب، و در صورت بروز به منظور به حداقل رساندن خسارات جانبی وارده به اموال فرهنگی حمایت شده به موجب ماده (۴) کنوانسیون، باید تمام اقدامات احتیاطی ممکن را در انتخاب وسایل و روش‌های حمله اتخاذ نماید؛

پ - از تصمیم به آغاز هر حمله‌ای که انتظار می‌رود سبب ورود خسارتی جانبی به اموال فرهنگی حمایت شده به موجب ماده (۴) کنوانسیون شده که در مقایسه با مزیت نظامی قطعی و مستقیم پیش‌بینی شده بیشتر باشد، امتناع نماید؛

ت - حمله را لغو یا تعلیق نماید، چنانچه مشخص شود که:

۱- هدف، مال فرهنگی حمایت شده به موجب ماده (۴) کنوانسیون می‌باشد؛

۲- حمله ممکن است سبب ورود خسارت جانبی بیشتر از مزیت نظامی مستقیم و واقعی پیش‌بینی شده نسبت به اموال فرهنگی حمایت شده به موجب ماده (۴) کنوانسیون شود»

بر این مبنا، پروتکل دوم نیز در فرض احتمال ایراد خسارات جانبی به اموال فرهنگی که در مقایسه با مزیت نظامی قطعی و مستقیم پیش‌بینی شده، بیشتر باشد، لغو یا تعلیق حمله را بر اساس اصل احتیاط لازم می‌دارد. شایان ذکر است که احتمال ایراد خسارات جانبی به اموال فرهنگی و رعایت اصل احتیاط، به عوامل مختلفی مثل محل قرارگیری، عوارض زمین، شرایط آب و هوایی، ماهیت خاص هدف نظامی مورد نظر، دقت سلاح‌های مورد استفاده، توانایی فنی نظامی رزمندگان و... بستگی دارد و باید به هنگام ارزیابی آثار حمله، این موارد در نظر گرفته شوند (Toman, 2009: 137).

انتظار بر این بود که پروتکل دوم، قواعد دقیق‌تر و حمایت‌کننده‌تری نسبت به قواعد عام حقوق بشردوستانه در پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷، برای حمایت از اموال فرهنگی اتخاذ نماید اما طراحان این پروتکل، احتمالاً با ملاحظه ضرورت جلب توجه بیشتر دولت‌ها به پذیرش این سند، تلاش کردند همان قواعد قبلی پیرامون تناسب و احتیاط را در باب خسارات جانبی به اموال فرهنگی تکرار نمایند. اگرچه، این سند با طرح ابتکار حمایت عالی از برخی اموال منحصر به فرد فرهنگی و مقرر کردن مصونیت کامل برای آنها (Second Protocol to the Hague Convention of 1954, 1999: Arts. 10-12)، قدمی رو به جلو نهاد. هر چند، هنوز هیچ یک از اموال فرهنگی ایران نتوانسته، بر اساس نظر کمیته مندرج در این سند، مشمول حمایت عالی گردد (UNESCO, n.d).

اموال و اماکن فرهنگی ایران، از جمله کاخ گلستان، میدان نقش جهان، قلعه فلک‌الافلاک، کاخ چهلستون و دیگر اموال فرهنگی که به آنها در جریان جنگ رمضان آسیب وارد شد، همگی ماهیتی غیرنظامی داشته‌اند و هیچ‌گونه گزارشی مبنی بر استفاده نظامی از آنها منتشر نشده است. عمده خسارات وارده به این اموال، از نوع خسارات جانبی بوده‌اند. با توجه به اینکه برخی از این اموال مورد آسیب در فاصله بسیار نزدیکی از محل اصلی حملات هوایی و یا موشکی قرار داشته‌اند، پیش‌بینی ایراد خسارات جانبی، برای مثال ناشی از امواج انفجار، به آنها که بعضاً در زمره میراث فرهنگی جهانی قرار دارند، دور از انتظار نبوده است. برای مثال، فاصله محل اصابت، تا میدان نقش جهان اصفهان، صرفاً ۳۵۰ متر ارزیابی شده است (وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، بی. تا: ۳۱) اگر این حملات نسبت به مزیت نظامی مورد انتظار بیش از حد ارزیابی شوند، خارج از حدود احتیاط تلقی خواهند شد. بدیهی است ارزیابی مزیت نظامی مورد انتظار، بدون آگاهی از اهداف نظامی حملات ممکن نیست و نیازمند بررسی هر مورد حمله و وقایع مرتبط است. رویکرد رویه قضایی بین‌المللی نیز چنین است که بر اساس اوضاع و احوال هر قضیه، معیارهای تناسب، ضرورت و احتیاط را مورد سنجش قرار می‌دهد. همانطور که دیوان بین‌المللی یوگسلاوی سابق در قضیه استراگر و گلوله‌باران شهر تاریخی دوبروونیک بر این نظر بود که «مسأله تناسب در تعیین ضرورت نظامی، با توجه به وقایع این قضیه، مطرح نمی‌شود» (ICTY, 2005: para. 295). ولی باید توجه داشت صرف قرار گرفتن یک هدف نظامی، بدون آنکه مزیت نظامی قطعی و مستقیمی از آن حاصل شود، ایراد خسارت جانبی به این اموال را توجیه نمی‌کند.

همچنین، ایراد آسیب به اموال فرهنگی، که برخی از آنها در زمره میراث فرهنگی جهانی قرار دارند، ممکن است از حیث کمی، سطح تخریب بالایی ارزیابی نشوند ولی به دلیل ارزش و اهمیت جهانی آنها، آسیب شدیدی باشند و اثر آنها همه جامعه بین‌المللی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از همین رو، ارزش جهانی یک مال فرهنگی، به ویژه اموال ثبت شده در فهرست میراث جهانی یونسکو، باید به عنوان یک عامل تشدیدکننده در ارزیابی تناسب در نظر گرفته شود؛ به طوری که حتی خسارت ظاهراً کوچک به چنین مالی، می‌تواند «مفرط» تلقی شود؛ اگر مزیت نظامی مورد انتظار ناچیز باشد. این دیدگاه در قضیه المهدی توسط دیوان بین‌المللی کیفری نیز اتخاذ شد و این دیوان، تخریب آثاری که در زمره میراث فرهنگی جهانی ثبت شده‌اند را نه فقط برای قربانیان مستقیم، بلکه برای کل جامعه بین‌المللی، متأثرکننده در نظر آورد (ICC, 2016: para. 80). گذشته از این، با توجه به هوشمند بودن سلاح‌های امروزی،

استفاده از تسلیحاتی با شدت تخریب بالا در مجاورت اموال فرهنگی، خود، نشان از عدم رعایت اصل احتیاط است. هر چند آمریکا و اسرائیل به عضویت پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴ درنیامده اند و همچنین هیچ یک از طرفین جنگ چهل روزه، پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ را تصویب نکرده‌اند، اما چنان‌که تصریح شد، قواعد مندرج در مواد ۵۱ و ۵۷ پروتکل اول، امروزه بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی را تشکیل می‌دهند (Henckaerts and Doswald-Beck, 2005: Rules. 14). و برای همه دولت‌ها، عضو یا غیرعضو الزام‌آورند. اگرچه در خصوص تفسیر برخی شرایط جزئی اعمال این اصول، ممکن است در عمل اختلاف مواضع میان دولت‌ها وجود داشته باشد.

۲. ایراد خسارت جانبی مفرط به اموال فرهنگی ایران در جنگ رمضان و پاسخگویی حقوقی

با تأمل در اینکه حقوق بین‌الملل ایراد خسارات جانبی مفرط به اموال فرهنگی را در حین جنگ‌ها ممنوع کرده است، این سؤال مطرح می‌شود که در صورت نقض این تعهد، به خصوص در جنگ رمضان، نحوه پاسخگویی عاملان این حملات چگونه خواهد بود؟ در پاسخ، نظام حقوق بین‌الملل برای نقض قواعد حقوق بشردوستانه، دو سازکار متفاوت پاسخگویی در نظر گرفته است. در یک سطح، دولت ناقض این تعهدات، باید در برابر دولت زیان‌دیده پاسخگو باشد و در سطح دوم، نقض قواعد حقوق بشردوستانه می‌تواند در شرایطی، مصداقی از جنایات بین‌المللی قلمداد شده و مسئولیت اشخاص حقیقی را به دنبال داشته باشد. در این مبحث، به هر دو بعد پاسخگویی حقوقی بین‌المللی ایراد خسارات جانبی به اموال فرهنگی در جنگ رمضان پرداخته می‌شود.

۲-۱. مسئولیت بین‌المللی دولت‌های حمله‌کننده در ایراد آسیب جانبی مفرط به اموال فرهنگی ایران

مطابق ماده ۱ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی (۲۰۰۱)، ارتکاب هر فعل متخلفانه بین‌المللی موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت است (ILC, 2001: Art. 1). برای تحقق فعل متخلفانه بین‌المللی، تجمیع دو عنصر ضرورت دارد: انتساب فعل به دولت و نقض تعهد بین‌المللی آن دولت به واسطه عمل مذکور (ILC, 2001: Art. 2). طرح مسئولیت بین‌المللی دولت در مواد ۴ تا ۱۱، قواعد مرتبط به احراز انتساب را تبیین کرده است. به موجب ماده ۴ این سند، «رفتار هر ارگان دولت به موجب حقوق بین‌الملل، عمل آن دولت تلقی می‌شود، فارغ از اینکه آن ارگان، کارکرد تقنینی، قضایی، اجرایی یا کارکرد دیگری داشته باشد و اعم از اینکه ارگان مذکور در سازمان دولت چه موقعیتی دارد...» و «ارگان شامل هر شخص یا نهادی است که به موجب حقوق داخلی دولت، وضعیت مذکور را داشته باشد» (ILC, 2001: Art. 4).

زمانی که نهاد یا اشخاص دولتی، در سمت خود عمل نمایند، حتی اگر آن عمل از حدود اختیار آنها فراتر رود، همچنان مسئولیت آن اقدام با دولت مربوطه خواهد بود (ILC, 2001: Art. 7). نیروی نظامی تمامی دولت‌ها، به عنوان ارگان دولتی شناخته می‌شوند و در صورتی که اعمال آنها نقض تعهد بین‌المللی آن دولت محسوب شود، متضمن مسئولیت بین‌المللی خواهد بود. منظور از نقض تعهد، هرگونه عدم مطابقت رفتار دولت با تعهد مندرج در قاعده اولیه است (سیفی، ۱۴۰۱: ۱۱۴). برای اثبات نقض تعهد، تفاوتی ندارد که آن تعهد برآمده از عرف باشد یا معاهده. در صورتی که عمل منتسب به دولت با آنچه تعهد مقرر کرده، تطابق نیابد، مسئولیت بین‌المللی محقق می‌شود (ILC, 2001: Art. 12).

در مبحث نخست، به این نکته اشاره شد که قواعد حقوقی اولیه مربوط به منع ایراد خسارت جانبی مفرط عمدتاً برآمده از مواد ۵۱ و ۵۷ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ هستند. اما ایران، آمریکا و اسرائیل، هیچ یک این سند را تصویب نکرده‌اند و نقض تعهدات معاهده‌ای این سند، به خودی خود، موجب مسئولیت بین‌المللی آنها نخواهد بود. همچنین عدم عضویت اسرائیل و آمریکا در پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه، علی‌رغم عضویت ایران در این سند، موجب می‌شود که نتوان به نقض تعهد معاهداتی برای احراز مسئولیت بین‌المللی آمریکا و اسرائیل در ایراد خسارت جانبی مفرط به اموال فرهنگی ایران استناد کرد. اما به دلیل عرفی بودن این تعهد، نقض آن از سوی نیروهای نظامی آمریکا و اسرائیل در ایراد خسارت جانبی مفرط به اموال فرهنگی ایران موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت‌ها خواهد بود.

دفاع اصلی دولت‌های حمله‌کننده در قبال ادعاهای مربوط به خسارات وارده به اموال فرهنگی، عموماً استناد به وضعیت «خسارت جانبی ناخواسته» یا «ضرورت نظامی» است. تحلیل حقوقی نشان می‌دهد که این دفاع از دو منظر قابل پذیرش نیست: اولاً، باید توجه نمود که حتی اگر ضرورت نظامی در حقوق بشردوستانه تحت شرایطی پذیرفته شود، از منظر حقوق مسئولیت بین‌المللی صرفاً در قالب یکی از علل رافع وصف متخلفانه بودن فعل در نظر گرفته خواهد شد که آن هم از منظر ماده ۲۵ مستلزم تجمیع دو شرط است: نخست، آن عمل تنها راه ممکن برای حفاظت از منافع حیاتی دولت در مقابل خطری شدید و قریب‌الوقوع بوده باشد، و دوم، به منافع حیاتی دولت یا دولت‌های دیگر یا جامعه بین‌المللی «خسارت جدی» وارد نکند (ILC, 2001: Art. 25). در رابطه با خسارت جانبی مفرط وارده به اموال فرهنگی ضرورت به حدی نیست که وصف متخلفانه بودن فعل را زایل نماید. ثانیاً، در حقوق مسئولیت بین‌المللی، عنصر ذهنی مانند عمد یا تقصیر جایی در احراز مسئولیت ندارد (ILC, 2001: Art. 2, cmt. 10). لذا همین که توسط عوامل دولتی، قواعد مربوط به تناسب و احتیاط در این زمینه نادیده گرفته شود، مسئولیت بر دولت حمله‌کننده تحمیل می‌شود.

تحقق مسئولیت بین‌المللی، موجب ایجاد تعهدات ثانویه برای دولت متخلف یا آثار مسئولیت می‌شود. برخی از این تعهدات ناظر به گذشته هستند و برخی معطوف به آینده. تعهد به جبران خسارت از جمله آثار مسئولیت است که ناظر به گذشته است. به این معنی که دولت متخلف متعهد به اعاده وضع به حال سابق، پرداخت غرامت و جلب رضایت است. ادامه دادن انجام تعهد اولیه و توقف عمل متخلفانه، از جمله آثار ناظر بر آینده مسئولیت بین‌المللی است (سیفی، ۱۴۰۱: ۱۵۰-۱۵۱). ماده ۳۵ اعاده وضع به حال سابق را به‌عنوان شکل اول جبران خسارت تعیین می‌کند، مشروط بر اینکه از نظر مادی، غیرممکن نباشد و بار عقلانی نامتناسبی تحمیل نکند (ILC, 2001: Art. 35). در مورد اموال فرهنگی آسیب دیده، اعاده وضع به حال سابق اغلب ناممکن است و از این رو اشکال دیگر جبران خسارت به خصوص پرداخت غرامت اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

بنابراین، ایراد خسارات جانبی مفرط به اموال فرهنگی ایران در طول حملات جنگ رمضان که با تعهدات عرفی ناشی از اصول تناسب و احتیاط مغایرت دارد، دولت ایران را محق به مطالبه غرامت ناشی از ایراد خسارات مادی و معنوی وارد شده به اموال فرهنگی می‌سازد. از این رو، لازم است دولت ایران، ضمن مستندسازی دقیق خسارات وارده به اموال فرهنگی در طول این جنگ، از طریق مذاکرات دیپلماتیک و یا با طرح موضوع در مجامع بین‌المللی، بر حق خود برای مطالبه غرامت ناشی از اقدامات غیرقانونی اسرائیل و آمریکا و از جمله دریافت خسارات جانبی وارده به اموال فرهنگی پافشاری نماید.

۲-۲. مسئولیت بین‌المللی کیفری آمران و عاملان ناشی از ایراد خسارات جانبی مفروط به اموال فرهنگی ایران

جرمانگاری بین‌المللی آسیب به اموال فرهنگی از این ایده نشأت گرفته است که اموال فرهنگی نه فقط یک صدمه مالی بلکه آسیب به جوامع و افرادی است که با آنها پیوند دارند (Moffett et al., 2019: 5). این مسأله در بند اول مقدمه اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری منعکس شده است که بیان می‌دارد: «با آگاهی از اینکه همه مردم با پیوندهای مشترکی متحد هستند، فرهنگ‌هایشان در قالب میراثی مشترک به هم پیوند خورده‌اند، و با نگرانی از اینکه این موزاییک ظریف ممکن است در هر زمانی از هم بشکند...» (Rome Statute, 1998: Preamble). بنابراین جرم‌انگاری تخریب، آسیب و سرقت اموال فرهنگی بنا به شرایط هر واقعه و قصد انجام آن می‌تواند به عنوان نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت یا جرم جنگی قلمداد شود.

اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، در ماده ۸، نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و نقض جدی قواعد و عرف‌های حاکم بر مخاصمات مسلحانه را به عنوان جرم جنگی در نظر آورده است. از این رو، «حمله عامدانه به ساختمان‌هایی که وقف امور مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه شده‌اند، بناهای تاریخی، بیمارستان‌ها و مکان‌هایی که بیماران و مجروحان در آن جمع شده‌اند، به شرط آنکه هدف نظامی نباشند» یکی از مصادیق این جرم در نظر گرفته شده است (Rome Statute, 1899: Art. 8(2)(b)(ix)). رویه قضایی این دیوان در پرونده المهدی نیز به ارتکاب جرم جنگی از طریق حمله به اماکن فرهنگی اشاره دارد (ICC, 2016).

برای ایراد خسارات جانبی به اموال فرهنگی، جرم‌انگاری مستقلی در اساسنامه دیوان صورت نگرفته است؛ اما این سند، انجام عامدانه حمله، با آگاهی از اینکه آن حمله موجب ایراد تلفات یا جراحت جانبی به غیرنظامیان یا خسارات جانبی به اهداف غیرنظامی خواهد شد، به نحوی که این خسارات به طور واضحی نسبت به مزیت نظامی مستقیم و قطعی مورد انتظار مفروط باشد، را به عنوان نوعی جرم جنگی در نظر آورده است (Rome Statute, 1899: Art. 8(2)(b)(iv)).

نحوه نگارش این بند از ماده ۸ اساسنامه دیوان مبین همان رویکرد سخت‌گیرانه قواعد معاهداتی و عرفی حقوق بشردوستانه نسبت به خسارات جانبی است. به عبارت بهتر صرف ایراد خسارت جانبی به اموال غیرنظامی، در حقوق بین‌الملل بشردوستانه و نیز حقوق بین‌الملل کیفری ممنوع و مشمول مجازات نیست و تنها در صورت اثبات مفروط بودن آنها نسبت به مزیت نظامی مورد انتظار و آن هم با آگاهی کامل از پیش‌بینی ایراد چنین خساراتی می‌تواند در زمره جرم جنگی قرار گیرد و البته مشمول صلاحیت جهانی نیز باشد.

ایران و نیز آمریکا و اسرائیل هیچ یک عضو اساسنامه رم نیستند؛ ولی اگر ایران، به عنوان سرزمین محل وقوع جرم، صلاحیت موردی دیوان نسبت به برهه زمانی جنگ رمضان را بپذیرد (Rome Statute, 1899: Art. 12(2))، طرح این موضوع در دیوان بین‌المللی کیفری امکان‌پذیر خواهد بود.

افزون بر این، دولت ایران، خود به عنوان دولت محل وقوع جرم، امکان تعقیب کیفری جرایم واقع شده علیه این اموال را دارد هر چند به دلیل عدم دسترسی به متهمین، امکان اجرای حکم با چالش مواجه خواهد شد. نکته بسیار مهم آن است که اگر ایران، تعقیب کیفری آسیب به اموال فرهنگی خود را در محاکم داخلی آغاز نماید، به دلیل عدم وضع قانون داخلی مربوط به جرم‌انگاری جرایم جنگی، ناچار است مطابق قواعد عمومی حقوق جزا حکم صادر نماید که ارزیابی مزایا یا معایب آن، نیازمند پژوهشی مستقل

است. بر این اساس، دولت ایران به عنوان دولتی که بارها خود یا شهروندانش بزه دیده جرایم بین‌المللی قرار گرفته‌اند و یا سرزمین محل وقوع این جرایم بوده است، لازم است در راستای وضع قانونی مستقل برای جرم‌انگاری جرایم بین‌المللی اقدام نماید.

نتیجه‌گیری

مطالعه وقایع جنگ رمضان میان آمریکا- اسرائیل با ایران نشان می‌دهد که اموال فرهنگی در مخاصمات جدید، نه تنها در معرض حملات مستقیم، بلکه بیش از پیش در معرض خسارات جانبی ناشی از عملیات نظامی علیه اهداف مجاور قرار دارند. هر چند اصول تفکیک، تناسب و احتیاط توانسته‌اند تا حدی دامنه ایراد خسارات جانبی به اموال غیرنظامی و از جمله اموال فرهنگی را در حین مخاصمات محدود کرده و طرف‌های مخاصمه را به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و احتیاطی ملزم سازند، اما این اصول، عمدتاً در قالب قواعد کلی حمایت از غیرنظامیان و اموال غیرنظامی توسعه یافته‌اند و در اسناد خاص حمایت از اموال فرهنگی، توجه مستقلی از قواعد کلی به این مسأله نشده است. در نتیجه، یکی از ضعف‌های اساسی رژیم حقوقی موجود آن است که بیشتر بر ممنوعیت حملات مستقیم، تمرکز دارد و مقررات تفصیلی و الزام‌آوری درباره خسارات جانبی وارد بر اموال فرهنگی ارائه نمی‌کند.

از سوی دیگر، مفهوم «ضرورت نظامی» نیز همچنان یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی این حوزه به شمار می‌رود. حقوق بین‌الملل بشردوستانه تلاش کرده با طرح مفهوم ضرورت نظامی ناگزیر و تدقیق آن به ویژه در پروتکل دوم کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴، امکان حمله مستقیم به اموال فرهنگی را محدود نماید ولی عدم پذیرش چندان این پروتکل توسط دولت‌ها، همچنان امکان تفسیر موسع این مفهوم را برای طرف‌های مخاصمه فراهم می‌سازد. افزون بر این، بنا بر اصل تناسب، ایراد خسارات جانبی به اموال غیرنظامی و از جمله اموال فرهنگی، تنها در حالتی ممنوع است که نسبت به مزیت نظامی مستقیم و قطعی، بیش از حد تلقی شود. به علاوه، معیارهای موجود در ارزیابی تناسب هم عمدتاً بر خسارات انسانی و مادی فوری متمرکز هستند و ارزش فرهنگی، هویتی و غیرقابل جبران اموال فرهنگی در آن‌ها به‌طور کافی مورد توجه قرار نگرفته است.

در اساسنامه رم ۱۹۹۸ نیز، با وجود اینکه حمله مستقیم عامدانه به بناهای تاریخی مصداقی از جرم جنگی است اما در مورد ایراد خسارات جانبی، آغاز عامدانه حمله با علم به اینکه باعث ایراد خسارات جانبی به غیرنظامیان شود و این آسیب به وضوح نسبت به مزیت نظامی مستقیم و قطعی مورد انتظار، مفرط باشد به عنوان مصداق این جرم ذکر شده است که آستانه و شدت بالاتری را نسبت به نفس ایراد آسیب جانبی می‌طلبد.

آسیب جانبی به اموال فرهنگی ایران در جریان جنگ رمضان از جهات مختلف می‌تواند مفرط ارزیابی شود و اقدام طرف حمله‌کننده فراتر از حدود اصول تناسب و احتیاط باشد. نخست آنکه استفاده از تسلیحات هوشمند، در دسترس بودن داده‌ها و تصویر هوایی و ماهواره‌ای امکان ارزیابی آثار حملات بر اموال فرهنگی مجاور را تسهیل می‌کرده و صرف قرارگیری هدف نظامی در اطراف این اموال، به نحوی که حمله به آنها در تعیین سرنوشت جنگ اثر قابل توجهی نداشته باشد، نمی‌تواند به عنوان مزیت نظامی مستقیم و قطعی به شمار آید. این در حالی است که به دلیل ارزش فرهنگی جهانی میراث آسیب دیده، مانند کاخ گلستان و میدان نقش جهان، تناسب و احتیاط در این زمینه باید با دقت و حساسیت بیشتری رعایت می‌شد. به این ترتیب عدم رعایت تناسب و احتیاط در این زمینه، می‌تواند امکان طرح مسئولیت بین‌المللی کیفری تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان این حمله را از باب ارتکاب جرم جنگی فراهم نماید.

با نقض قواعد عرفی تناسب و احتیاط، دولت‌های حمله‌کننده به ایران، به جهت ایراد آسیب جانبی مفرط به اموال فرهنگی ایران، مسئولیت بین‌المللی خواهند داشت و امکان مطالبه خسارت از آنها برای ایران وجود دارد.

همچنین، پروتکل دوم ۱۹۹۹ ظرفیت‌های مهمی برای تقویت حمایت از اموال فرهنگی پیش‌بینی کرده است که جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یکی از اعضا این سند، می‌تواند از آن‌ها بهره‌مند شود. یکی از این سازوکارها، امکان ثبت اموال فرهنگی دارای اهمیت برجسته تحت نظام «حمایت عالی» است که سطح حمایتی شدیدتری ایجاد کرده و نقض آن می‌تواند مسئولیت بین‌المللی حقوقی و کیفری جدی‌تری به همراه داشته باشد. همچنین، صندوق حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه پیش‌بینی شده در این پروتکل، می‌تواند در زمینه اقدامات پیشگیرانه، حمایت اضطراری و به خصوص بازسازی و جبران بخشی از خسارات وارده مورد استفاده قرار گیرد. اما محدودیت منابع مالی صندوق، وابستگی تصمیمات آن به اراده سیاسی دولت‌ها و استمرار تفسیر موسع استثنای ضرورت نظامی، نشان می‌دهد که این سازوکارها هنوز از کارآمدی کامل برخوردار نیستند.

در کنار این ظرفیت‌های بین‌المللی، ایران به‌عنوان دولتی برخوردار از اموال فرهنگی گسترده، باید برای ثبت اقدامات غیرقانونی صورت گرفته علیه اموال فرهنگی خود در جریان جنگ رمضان و نیز حمایت بیشتر و بهتر از اموال فرهنگی ارزشمند خود در مخاصمات احتمالی آینده، تدابیر مؤثری اتخاذ نماید؛ از جمله مستندسازی دقیق خسارات صورت گرفته و انعکاس آنها به مجامع بین‌المللی، ثبت دیجیتال آثار فرهنگی، آموزش پرسنل وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، ایجاد سامانه‌های هشدار و حفاظت اضطراری، و پیگیری مسئولیت بین‌المللی دولت‌های ناقض از طریق نهادهای بین‌المللی و ظرفیت‌های یونسکو.

همچنین امید است برای تقویت رژیم حقوقی بین‌المللی موجود، قواعد اختصاصی‌تری درباره خسارات جانبی به اموال غیرنظامی، به خصوص اموال فرهنگی تدوین شود. در نهایت، حمایت مؤثر از اموال فرهنگی زمانی تحقق خواهد یافت که تعهدات حقوق بشر دوستانه از سطح قواعد کلی و تفاسیر انعطاف‌پذیر فراتر رفته و به سازوکارهای اجرایی، نظارتی و جبرانی مؤثر و الزام‌آور تجهیز شوند. استناد به معاهدات بین‌المللی مرتبط در دادگاه‌های ملی و صدور آرای مقتضی برای مجازات عاملان آسیب به اموال فرهنگی و استفاده از سازوکارهای بین‌المللی مرتبط مانند صندوق حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه و همچنین بهره‌گیری بیشتر از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی فعال در حوزه حمایت از اموال فرهنگی مانند ایکوم و ایکوموس برای انعکاس بین‌المللی مصادیق آسیب به اموال فرهنگی به خصوص در جنگ‌ها می‌تواند به تضمین پاسخگویی حقوقی و ارتقای جایگاه حمایت از اموال فرهنگی در حقوق بین‌الملل کمک نماید.

فهرست منابع

کتاب‌ها:

- سیفی، سیدجمال (۱۴۰۱). حقوق مسئولیت بین‌المللی. چاپ دوم. تهران: شهر دانش.
- قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۸). حقوق بشر در جهان معاصر، جلد ۲. چاپ اول. تهران: شهر دانش.

مقالات:

- دقیق، مهتاب و لسانی، سید حسام‌الدین (۱۳۹۸). بررسی اقدامات تلافی‌جویانه علیه اموال فرهنگی در حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۹(۴)، ۱۲۴۹-۱۲۶۵.
- زحمتکش، مجید و آرش‌پور، علیرضا (۱۳۹۶). راهکارهای حمایتی حقوق بین‌الملل عرفی از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه. مطالعات حقوقی، ۹(۱)، ۱۴۱-۱۷۴.

- عظیمی شوشتری، عباسعلی و حسینی فاضل، سید مرتضی (۱۳۹۶). پژوهشی تطبیقی درباره مفهوم، ماهیت و شرایط اصل تناسب در حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق اسلام. فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۴(۴)، ۹۱-۱۱۸.
- کرمی، موسی و شاکری، یاسر (۱۳۹۹). ارزیابی رویکردهای حاکم بر جرم‌انگاری جرائم علیه میراث فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه: از کاربرد غیرنظامی تا ارزش فرهنگی، دو فصلنامه تمدن حقوقی، ۳(۷)، ۷۴-۱۰۵.
- نژندی منش، هیبت‌الله و افروغ، محمد (۱۳۹۰). حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه: بررسی رویه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق. پژوهش‌های حقوقی، ۱۰(۲۰)، ۲۱۳-۲۴۶.
- وکیل، امیرسعد و قشلاقی نیگجه، افشین (۱۴۰۰). حمایت از میراث فرهنگی جهانی در رویه دیوان بین‌المللی کیفری. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۶(۹۴)، ۱۱۹-۱۳۹.

گزارش‌ها:

- وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی (بی. تا). زخمی بر پیکره تاریخ و فرهنگ: خسارات وارده به میراث فرهنگی و موزه‌های جمهوری اسلامی ایران در تهاجم نظامی ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونی. (گزارش). قابل بازیابی از پایگاه اینترنتی سفارت جمهوری اسلامی ایران در ایرلند. <https://ireland.mfa.ir/files/dublin/newsattachment/2026033120142270658326471.pdf>.

پایگاه‌های الکترونیکی:

- «اعلام آمار جدیدی از خسارت آثار تاریخی ایران در جنگ» (۱۴۰۵/۰۲/۰۳). تابناک. قابل بازیابی از: <https://www.tabnak.ir/fa/news/1368743>. (تاریخ مراجعه: ۱۴۰۵/۰۳/۰۵).
- «نحوه مواجهه با آسیب‌های وارده به آثار تاریخی فرهنگی ایران در جنگ»، (۱۴۰۴/۱۲/۲۶). دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ مرکز پژوهش‌های مجلس. شماره خبر ۱۸۵۴۸۱۰ قابل بازیابی از: <https://rc.majlis.ir/fa/news/show/1854810>. (تاریخ مراجعه: ۱۴۰۵/۰۳/۰۵).

Books:

- Berchev, Daniel. (2025). Collateral Damage and International Humanitarian Law: Legal and Ethical Considerations. in: *Proceedings of the Annual University Scientific Conference* (Vol. 8). Vasil Leveski National Military University.
- Graham, Stephan. (ed.) (2004). *Cities, War, and Terrorism: Towards an Urban Geopolitics*. Blackwell Publishing Ltd.
- Heinegg, Wolff Heintschel von (2015). Proportionality and Collateral Damage, in: *Max Planck Encyclopedia of Public International Law*, Oxford Public International Law, Oxford University Press.
- Henckaerts, Jean- Marie and Doswald-Beck, Louis. (eds.). (2005). *Customary International Humanitarian Law* (Vol. I: Rules). Cambridge University Press & ICRC.
- Higgins, Noelle. (2020). *The Protection of Cultural Heritage During Armed Conflict: The Changing Paradigms*. Routledge.
- O'Keefe, Roger. (2006). *The Protection of Cultural Property in Armed Conflict*. Cambridge University Press.

Articles:

- Auwera, Sigrid. Van. der. (2013). International Law and the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict: Actual Problems and Challenges. *The Journal of Arts Management, Law, and Society*, 43(4), 175-190.
- Bhat, P. Ishwara. (n. d). Protection of Cultural Property Under International Humanitarian Law: Some Emerging Trends. Retrieved from: <https://heritage.sensecentar.org/assets/home/sg-7-03b-bhat-protection.pdf>.
- Campfens, Evelien. (2020). Whose Cultural Objects? Introducing Heritage Title for Cross-Border Cultural Property Claims, *Netherlands International Law Review*, 67, 257-295.
- Frigerio, Alberto. (2014). Heritage Under Attack: A Critical Analysis of the Reasons Behind the Destruction of Cultural Property in the Event of Armed Conflict. *Aedon*, 2. Retrieved from: <https://aedon.mulino.it/archivio/2014/2/frigerio.htm>.
- Kastenber, Joshua. E. (1997). The Legal Regime for Protecting Cultural Property During Armed Conflict. *Air Force Law Review*, 42, 277-305.
- Moffett, Luke., Rose, Dacia. Viejo and Hickey, Robin (2020). Shifting the Paradigm on Cultural Property and Heritage in International Law and Armed Conflict: Time to talk about Reparations?. *International Journal of Heritage Studies*, 26(7), 1-16.
- Qureshi, Waseem Ahmad. (2017). The Protection of Cultural Heritage by International Law in Armed Conflict, *Loyola University Chicago International Law Review*, 15(1), 63-99.
- Sari. Aurel. (2025). Indiscriminate Attacks and the Proportionality Rule: What Is Incidental Civilian Harm?, *Journal of Conflict & Security Law*, 30, 203-239.
- Trumbull IV, Charles. P. (2024). Collateral Damage and Individual Rights in Armed Conflict, *Fordham International Law Journal*, 48(2), 2024, 521-575.

Documents:

- Convention Concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage, (1972). (UNESCO Convention, 1972).
- Convention on the Means of Prohibiting and Preventing the Illicit Import, Export and Transfer of Ownership of Cultural Property, (1970). (UNESCO Convention, 1970)
- ICC (2016). Situation in the Republic of Mali, Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi, Case No. ICC-01/12-01/15, Judgment and Sentence.
- ICTY (2003), Prosecutor v. Stanislav Galic, Case No. IT-98-29-T, Trial Judgment.
- ICTY (2005). Prosecutor v. Pavle Strugar, Case No. IT-01-42-T, Trial Judgment.
- ILC (2001), Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts.
- Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts, (1977). (Protocol I)
- Rome Statute of the International Criminal Court, (1999).
- Second Protocol to the Hague Convention of 1954 for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict, (1999).

Websites:

- ICRC (1987). Commentary on Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I). Available at: <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/api-1977/part1/commentary/1987>, (last visited on: 31/05/2026).
- UNESCO (n. d). International List of Cultural Property under Enhanced Protection. Available at: https://www.unesco.org/sites/default/files/medias/fichiers/2024/05/Enhanced-Protection-List-2023_Eng.pdf?hub=415, (last visited on: 31/05/2026).

